

خدا جهان را می آفریند - پیدایش ۱: ۱-۲۵

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

خدا جهان را می آفریند - پیدایش ۱: ۱-۲۵

در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید. ۲ زمین خالی و بی شکل بود. همه جا آب بود و تاریکی آن را پوشانده بود و روح خدا بر روی آب ها حرکت می کرد. ۳ و خدا گفت: بگذار نور باشد و نور شد. ۴ خدا دید که نور خوب است، و نور را از تاریکی جدا کرد. ۵ خدا نور را روز نامید و تاریکی را شب نامید. شب گذشت و صبح شد. این روز اول بود خدا گفت: «اجازه دهید تا آنها از هم جدا شوند. ۷ خدا فضا را آفرید و آبهای زیر آبهای بالای آنها را جدا کرد. ۸ خداوند فضا را بهشت نامید. شب گذشت و صبح شد. این روز دوم بود و خدا گفت: بگذارید آبهای زیر آسمان در یک مکان جمع شود تا خشک شود و چنین شد. ۱۰ و خدا زمین خشک را زمین نامید. و آبهای جمع شده را به دریا خواند. خدا دید که کاری که انجام شد خوب بود. ۱۱ و خدا گفت: بگذار زمین علف بیرون بیاورد، گیاهی که بذر می دهد. «گیاهانی که غلات و حبوبات تولید می کنند و گیاهانی که میوه می دهند» و چنین شد. ۱۲ و همه گیاهان زمین رویدند، و خدا دید که خوب است. ۱۳ شب گذشت و صبح شد. این روز سوم بود و خدا گفت: بگذار نورهایی در فلک آسمان باشد تا روز را از شب تقسیم کند و روزها و سالها و آیات و فصلها را نشان دهد. ۱۵ آنها در آسمان می درخشند تا به زمین نور دهند، و چنین شد. ۱۶ پس از آن خدا دو جسم نورانی بزرگتر ساخت یکی خورشید برای روز و دیگری ماه برای شب. او همچنین ستاره ها را ساخت. ۱۷ او آنها را در آسمان قرار داد تا بر زمین نور دهند، ۱۸ و روز و شب حکومت کنند و نور را از تاریکی جدا کنند. خدا میدونه چقدر خوب بود. ۱۹ شب گذشت و صبح شد. این روز چهارم بود پس خدا گفت: آنها از انواع حیوانات و آسمانها از انواع پرندگان پر شود. ۲۱ پس خدا مخلوقات بزرگ دریا و همه موجودات زنده را که در آب هستند و همه پرندگان آسمان را آفرید. خدا دید که کاری که کرده خوب بود. ۲۲ و او همه آنها

را برکت داد و به آنها گفت: بارور شوید و زیاد شوید و آبهای دریا و پرندگان را در زمین پر کنید. ۲۳ شب گذشت و صبح شد. این روز پنجم بود.
آنگاه خدا گفت: زمین همه موجودات زنده، اهلی و وحشی، بزرگ و کوچک را پدید آورد، و چنین شد. ۲۵ پس خدا همه آنها را آفرید و اینک هر چه کرده بود نیکو بود

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

خدا مردم را می آفریند - پیدایش ۲: ۴-۲۵

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند

گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

خدا مردم را می آفریند - پیدایش ۲: ۴-۲۵

این چگونگی آفرینش آسمانها و زمین است.

وقتی خداوند آسمانها و زمین را ساخت، ۵ هیچ گیاه یا علف سیزی در روی زمین نبود زیرا خداوند هنوز باران بر زمین نبارانیده بود و کسی نبود که در زمین زراعت کند. ۶ اما آب از زیر زمین بالا می آمد و زمین را سیراب می کرد آفرینش آدم

پس از آن خداوند مقداری خاک از زمین برداشت و از آن آدم را ساخت و در بینی او روح حیات دمید و او یک موجود زنده گردید. ۸

خداوند باغی در عدن که در طرف مشرق است درست کرد و آدم را که ساخته بود در آنجا گذاشت. ۹ خداوند همه نوع درختان زیبا و میوه دار در آن باغ رویانید و درخت حیات و همچنین درخت شناخت خوب و بد را در وسط باغ قرار داد رودخانه ای از عدن می گذشت و باغ را سیراب می کرد و از آنجا به چهار نهر تقسیم می شد. ۱۱ نهر اول، فیشون است که سرزمین حویله را دور می زند. ۱۲ در این سرزمین طلای خالص و عطر گران قیمت و سنگ عقیق وجود دارد. ۱۳ نهر دوم، جیحون است که سرزمین کوش را دور می زند. ۱۴ نهر سوم دجله است که از شرق آشور می گذرد و نهر چهارم فرات است. ۱۵ سپس خداوند آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن زراعت کند و آن را نگهداری نماید. ۱۶ خداوند به آدم فرمود: اجازه داری از میوه تمام درختان باغ بخوری. ۱۷ اما هرگز از میوه درخت شناخت خوب و بد نخور زیرا اگر از آن بخوری در همان روز خواهی مرد

آفرینش زن

خداوند خدا فرمود: خوب نیست که آدم تنها زندگی کند. بهتر است یک همدم مناسب برای او بسازم تا او را کمک کند ۱۹ پس خداوند، تمام حیوانات و پرندگان را از خاک زمین ساخت و نزد آدم آورد تا ببیند آدم چه نامی بر آنها خواهد گذاشت و هر نامی که آدم بر آنها گذاشت، همان نام آنها شد. ۲۰ بنابراین آدم تمام پرندگان و حیوانات را نامگذاری کرد ولی هیچ یک از آنها همدم مناسبی برای آدم نبود که بتواند او را کمک کند. ۲۱ پس خداوند، آدم را به خواب عمیقی فرو برد و وقتی او در خواب بود یکی از دنده هایش را برداشت و جای آن را به هم پیوست. ۲۲ سپس از آن دنده زن را ساخت و او را نزد آدم آورد. ۲۳ آدم گفت: این مانند خود من است. استخوانی از استخوانهایم و قسمتی از بدنم نام او نساء است، زیرا از انسان گرفته شد. ۲۴ به همین دلیل مرد پدر و مادر خود را ترک می کند و با زن خود زندگی می کند و هر دو یک تن می شوند. ۲۵ آدم و زنش هر دو برهنه بودند و این را شرم آور نمی دانستند

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟

این برای شما چه معنی می دهد؟

چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟

چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت

چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟

کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

طرح اولیه خدا - پیدایش ۱: ۲۶-۳۱

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

طرح اولیه خدا - پیدایش ۱: ۲۶-۳۱

۲۶ پس از آن خدا فرمود: اینک انسان را بسازیم. ایشان مثل ما و شبیه ما باشند و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات اهلی و وحشی، بزرگ و کوچک و بر تمام زمین حکومت کنند. ۲۷ پس خدا انسان را شبیه خود آفرید. ایشان را زن و مرد آفرید. ۲۸ آنها را برکت داد و فرمود: بارور و کثیر شوید. نسل شما در تمام زمین زندگی کند و آن را تحت تسلط خود در آورد. من شما را بر ماهیان و پرندگان و تمام حیوانات وحشی می گمارم. ۲۹ هر نوع گیاهی که غلات و دانه بیاورد و هر نوع گیاهی که میوه بیاورد برای شما آماده کرده ام تا بخورید. ۳۰ اما هر نوع علف سبز را برای خوراک تمام حیوانات و پرندگان آماده کرده ام و چنین شد. ۳۱ خدا از دیدن تمام کارهایی که انجام شده بود، بسیار خشنود گشت. شب گذشت و صبح فرا رسید. این بود روز ششم.

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟

کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

مردم از خدا نافرمانی می کنند - پیدایش ۳: ۱-۱۳

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

مردم از خدا نافرمانی می کنند - پیدایش ۳: ۱-۱۳

مار که از تمام حیواناتی که خداوند ساخته بود حيله‌گتر بود، از زن پرسید: آیا واقعاً خدا به شما گفته است که از هیچ یک از میوه‌های درختهای باغ نخورید؟ ۲ زن جواب داد: ما اجازه داریم از میوه تمام درختهای باغ بخوریم. ۳ به غیر از میوه درختی که در وسط باغ است. خدا به ما گفته است که از میوه آن درخت نخورید و حتی آن را لمس نکنید مبادا بمیرید. ۴ مار جواب داد: این درست نیست. شما نخواهید مرد. ۵ خدا این را گفت زیرا می‌داند وقتی از آن بخورید شما هم مثل او خواهید شد و خواهید دانست چه چیز خوب و چه چیز بد است. ۶ زن نگاه کرد و دید آن درخت بسیار زیبا و میوه آن برای خوردن خوب است. همچنین فکر کرد چقدر خوب است که دانا بشود. بنابراین از میوه آن درخت کند و خورد. همچنین به شوهر خود نیز داد و او هم خورد. ۷ همین‌که آن را خوردند به آنها دانشی داده شد و فهمیدند که برهنه هستند. پس برگهای درخت انجیر را به هم دوخته خود را با آن پوشاندند. عصر آن روز شنیدند خداوند در باغ راه می‌رود. پس خود را پشت درختان پنهان کردند. ۹ اما خداوند آدم را صدا کرد و فرمود: کجا هستی؟ ۱۰ آدم جواب داد: چون صدای تو را در باغ شنیدم ترسیدم و پنهان شدم زیرا برهنه هستم. ۱۱ خدا پرسید: چه کسی به تو گفت برهنه هستی؟ آیا از میوه درختی که به تو گفتم نباید از آن

بخوری خوردی؟ ۱۲ آدم گفت: این زنی که تو اینجا نزد من گذاشتی آن میوه را به من داد و من خوردم. ۱۳ خداوند از زن پرسید: چرا این کار را کردی؟ زن جواب داد: مار مرا فریب داد که از آن خوردم

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟

این برای شما چه معنی می دهد؟

چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟

چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت

چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟

کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

پاسخ عادلانه خدا – پیدایش ۳: ۱۴-۲۴

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟

این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟

چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟

کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟

کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند

گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند

گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

پاسخ عادلانه خدا – پیدایش ۳: ۱۴-۲۴

سپس خداوند به مار فرمود: چون این‌کار را کردی از همه حیوانات ملعون‌تر هستی. بر روی شکمت راه خواهی رفت و در تمام مدت عمرت خاک خواهی خورد. ۱۵ در بین تو و زن کینه می‌گذارم. نسل او و نسل تو همیشه دشمن هم خواهند بود. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه او را خواهی گزید. ۱۶ و به زن فرمود: درد و زحمت تو را در ایام حاملگی و در وقت زاییدن بسیار زیاد می‌کنم. اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو تسلط خواهد داشت. ۱۷ و به آدم فرمود: تو به حرف زنت گوش دادی و میوه‌ای را که به تو گفته بودم نخوری، خوردی. به خاطر این‌کار، زمین لعنت شد و تو باید در تمام مدت زندگی با سختی کار کنی تا از زمین خوراک به دست بیاوری. ۱۸ زمین خار و علفهای هرزه خواهد رویانید و تو گیاهان صحرا را خواهی خورد. ۱۹ با زحمت و عرق پیشانی از زمین خوراک به دست خواهی آورد تا روزی که به خاک بازگردی، خاکی که از آن به وجود آمدی. تو از خاک هستی و دوباره خاک خواهی شد. ۲۰ آدم اسم زن خود را حوا گذاشت چون او مادر تمام انسانهاست. ۲۱ خداوند از پوست حیوانات برای آدم و زنش لباس تهیه کرد و به آنها پوشانید

اخراج آدم و حوا از باغ عدن

پس خداوند فرمود: حال آدم مثل ما شده و می‌داند چه چیز خوب و چه چیز بد است. مبادا از درخت حیات نیز بخورد و برای همیشه زنده بماند. ۲۳ بنابراین خداوند او را از باغ عدن بیرون کرد تا در روی زمین که از آن به وجود آمده بود به کار زراعت مشغول شود. ۲۴ خداوند، آدم را از باغ عدن بیرون کرد و فرشتگان نگهبانی در طرف شرق باغ عدن گذاشت و شمشیر آتشی که به هر طرف می‌چرخید در آنجا قرار داد تا کسی نتواند به درخت حیات نزدیک شود

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟

این برای شما چه معنی می‌دهد؟

چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟

چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت

چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟

کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

قضاوت مقدس خدا – پیدایش ۶: ۵-۲۲

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟

این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده‌اید؟

چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می‌کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟

کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟

کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

قضاوت مقدس خدا ۱ - پیدایش ۶: ۵-۲۲

وقتی خداوند دید که چگونه تمام مردم روی زمین، شریر شده‌اند و تمام افکار آنها فکرهای گناه‌آلود است، ۶ از اینکه انسان را آفریده و در روی زمین گذاشته بود، متأسف و بسیار غمگین شد. ۷ پس فرمود: من این مردم و چارپایان و خزندگان و پرندگانی را که آفریده‌ام، نابود خواهم کرد. زیرا از اینکه آنها را آفریده‌ام، متأسف هستم. ۸ اما خداوند از نوح راضی بود

نوح

۹-۱۰ داستان زندگی نوح از این قرار بود: نوح سه پسر داشت به نامهای سام، حام و یافث. او در زمان خود مردی عادل و پرهیزکار بود و همیشه با خدا ارتباط داشت. ۱۱ اما تمام مردم در حضور خدا گناهکار بودند و ظلم و ستم همهجا را پُر کرده بود. ۱۲ خدا دید که مردم زمین فاسد شده‌اند و همه راه فساد پیش گرفته‌اند. ۱۳ خدا به نوح فرمود: تصمیم گرفته‌ام بشر را از بین ببرم. چون ظلم و فساد آنها دنیا را پُر کرده است، بنابراین من ایشان را همراه با زمین نابود خواهم کرد خدا به نوح فرمود: «تصمیم گرفته‌ام بشر را از بین ببرم. چون ظلم و فساد آنها دنیا را پُر کرده است، بنابراین من ایشان را همراه با زمین نابود خواهم کرد. ۱۴ تو برای خودت یک کشتی از چوب درخت سرو بساز که چندین اتاق داشته باشد داخل و خارج آن را با قیر بپوشان. ۱۵ آن را این‌طور بساز: درازای آن صد و پنجاه متر، پهنای آن بیست و پنج متر و ارتفاع آن پانزده متر. ۱۶ پنجره‌ای هم نزدیک سقف در حدود نیم‌متر بساز و در کشتی را در کنار آن قرار بده. کشتی را طوری بساز که دارای سه طبقه باشد. ۱۷ من توفان و باران شدید بر زمین خواهم فرستاد تا همه جانداران هلاک گردند و هرچه بر روی زمین است بمیرد. ۱۸ اما با تو پیمان می‌بندم. تو به اتفاق پسرانت و همسرت و عروسهایت به کشتی داخل می‌شوی. ۱۹-۲۰ از تمام حیوانات یعنی پرندگان، چارپایان و خزندگان یک جفت نر و ماده با خودت به کشتی ببر تا آنها را زنده نگاه داری. ۲۱ از هر نوع غذا برای خودت و برای آنها با خود بردار. ۲۲ نوح هرچه خدا به او دستور داده بود، انجام داد

ببرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

قضاوت مقدس خدا ۲ – پیدایش ۶:۷-۱۲, ۱۷-۲۴؛ ۸:۱۸-۲۲

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

قضاوت مقدس خدا ۲ – پیدایش ۶:۷-۱۲, ۱۷-۲۴؛ ۸:۱۸-۲۲

پیدایش ۶:۷-۱۲

وقتی توفان آمد، نوح ششصد ساله بود. ۷ او با زنش و پسرهایش و عروسهایش به داخل کشتی رفتند تا از توفان رهایی یابند. ۸ همان طور که خدا به نوح دستور داده بود، از تمام چارپایان پاک و ناپاک و پرندگان و خزندگان یک جفت نر و ماده، ۹ با نوح به داخل کشتی رفتند. ۱۰ پس از هفت روز، آب روی زمین را گرفت. ۱۱ در ششصدمین سال زندگی نوح در روز هفدهم از ماه دوم، تمام چشمه های عظیم در زیر زمین شکافته شد و همه روزنه های آسمان باز شد ۱۲ و مدت چهل شبانه روز باران می بارید

پیدایش ۷:۱۷-۲۴

مدت چهل روز باران مانند سیل بر روی زمین می بارید و آب زیادتر می شد به طوری که کشتی از زمین بلند شد. ۱۸ آب به قدری زیاد شد که کشتی بر روی آب به حرکت آمد. ۱۹ آب از روی زمین بالا می آمد و زورآورتر می شد تا اینکه آ تمام

کوههای بلند را پوشانید. ۲۰ و به اندازه هفت متر از کوهها بالاتر رفت و همه چیز را پوشانید. ۲۱ هر جنبنده‌ای که در روی زمین حرکت می‌کرد یعنی تمام پرندگان، چارپایان و خزندگان و تمام مردم، همه مردند. ۲۲ هر جانداري که در روی زمین بود مرد. ۲۳ خدا هر موجودی را که در روی زمین بود یعنی انسان، چارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان، همه را نابود کرد. فقط نوح با هرچه در کشتی با او بود باقی ماند. ۲۴ آب صد و پنجاه روز روی زمین را پوشانده بود

پیدایش ۸: ۱۸-۲۲

پس نوح و زنش و پسرهایش و عروس‌هایش از کشتی بیرون رفتند. ۱۹ تمام چارپایان، پرندگان و خزندگان هم با جفتهای خود از کشتی خارج شدند. ۲۰ نوح، قربانگاهی برای خداوند بنا کرد و از هر پرنده و هر حیوان پاک یکی را به عنوان قربانی سوختی بر قربانگاه گذرانید. ۲۱ وقتی بوی خوش قربانی به پیشگاه خداوند رسید، خداوند با خود گفت: بعد از این دیگر زمین را به خاطر انسان لعنت نخواهم کرد. زیرا خیال دل انسان حتی از زمان کودکی بد است. دیگر همه حیوانات را هلاک نمی‌کنم، چنانکه کردم. ۲۲ تا زمانی که دنیا هست، کشت و زرع، سرما و گرما، زمستان و تابستان و روز و شب هم خواهد بود

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

وعده خاص خدا – پیدایش ۹: ۱-۱۹

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

وعده خاص خدا – پیدایش ۹: ۱-۱۹

پیمان خدا با نوح

خدا نوح و پسرانش را برکت داد و فرمود: «بارور و کثیر شوید و دوباره همه جای زمین را پُر کنید. ۲ همه حیوانات زمین و پرندگان آسمان و خزندگان و ماهیان از شما خواهند ترسید. همه آنها در اختیار شماست. ۳ شما می توانید آنها را مثل علف سبز بخورید. ۴ اما گوشت را با جان یعنی با خون آن نخورید. ۵ اگر کسی جان انسانی را بگیرد، مجازات خواهد شد و هر حیوانی که جان انسانی را بگیرد، او را به مرگ محکوم خواهیم کرد. ۶ انسان به صورت خدا آفریده شد. پس هرکه انسانی را بکشد به دست انسان کشته خواهد شد. ۷ شما بارور و کثیر شوید و در روی زمین زیاد شوید. ۸ خدا به نوح و پسرانش فرمود: من با شما و بعد از شما با فرزندان شما پیمان می بندم. ۱۰ همچنین پیمان خود را با همه جانورانی که با تو هستند یعنی پرندگان، چارپایان و هر حیوان وحشی و هر چه با شما از کشتی بیرون آمدند و همچنین تمام جانداران روی زمین حفظ خواهم کرد. ۱۱ من با شما پیمان می بندم که دیگر همه جانداران با هم از توفان هلاک نخواهند شد و بعد از این، دیگر توفانی که زمین را خراب کند نخواهد بود. ۱۲ نشانه پیمانی که نسل بعد از نسل با شما و همه جانورانی که با شما باشند می بندم این است: ۱۳ رنگین کمان را تا به ابد در ابرها قرار می دهم تا نشانه آن پیمانی باشد که بین من و جهان بسته شده است. ۱۴ هر وقت ابر را بالای زمین پهن می کنم و رنگین کمان ظاهر می شود، ۱۵ پیمان خود را که بین من و شما و تمامی جانوران می باشد به یاد خواهم آورد تا توفان دیگر همه جانداران را با هم هلاک نکند. ۱۶ رنگین کمان در ابر خواهد بود و من آن را خواهم دید و آن پیمانی را که بین من و همه جانداران روی زمین بسته شده، به یاد می آورم. ۱۷ خدا به نوح فرمود: این نشان آن پیمانی است که با همه جانداران زمین بسته ام

نوح و پسرانش

سام و حام و یافت پسران نوح بودند که از کشتی بیرون آمدند. حام پدر کنعانیان است. ۱۹ ایشان سه پسر نوح بودند که تمام ملل جهان از آنها به وجود آمدند

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

قوانین کامل خدا - خروج ۱۷:۲۰-۱۷

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

قوانین کامل خدا - خروج ۱۷:۲۰-۱۷

خدا، این سخنان را فرمود: ۲ من، خداوند هستم که شما را از سرزمین مصر، که در آن برده بودید، بیرون آوردم. ۳ خدای دیگری را غیر از من پرستش نکن. ۴ هیچ مجسمه و یا هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان و یا پایین در زمین و یا در آبهای زیر زمین است، برای خود مساز. ۵ در مقابل هیچ بتی سجده مکن و آن را پرستش منما، زیرا من خداوند، که خدای تو هستم هیچ رقیبی را تحمل نمی کنم و انتقام گناه کسانی را که از من منتفرند تا نسل سوم و چهارم از فرزندانشان می گیرم. ۶ اما من محبت پایدار خود را تا هزاران نسل به کسانی که مرا دوست دارند، نشان خواهم داد. ۶ نام مرا برای مقاصد شریرانه بر زبان میاور، زیرا من، خداوند خدای شما، هرکس که نام مرا بیهوده بر زبان بیاورد مجازات خواهم کرد. ۸ سبت را به خاطر داشته باش و آن را مقدس بشمار. ۹ شش روز کار کن و تمام کارهایت را انجام بده. ۱۰ ولی روز هفتم، روز استراحت و مخصوص خداوند است. در آن روز هیچ کس کار نکند. نه خودت، نه فرزندانت، نه غلامت، نه کنیزت، نه حیوانات و نه غریبی که نزد توست. ۱۱ من، خداوند، در شش روز زمین و آسمان و دریا و هرچه در آنهاست را ساختم و در روز هفتم استراحت کردم. به همین دلیل است که من، خداوند، سبت را متبارک ساختم و آن را تقدیس نمودم. ۱۲ پدر و مادر خود را احترام کن تا عمر تو در سرزمینی که به تو می دهم طولانی شود. ۱۳ قتل نکن. ۱۴ زنا نکن. ۱۵ دزدی نکن. ۱۶ علیه همسایه خود شهادت دروغ مده. ۱۷ به خانه همسایه خود طمع مکن. به زنش، غلامش کنیزش، گاو، الاغش و هر چیزی که مال همسایه ات می باشد طمع نداشته باش

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

همه از قوانین خدا سرپیچی می کنند ۱ – مزامیر ۱۴:۱-۶

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

همه از قوانین خدا سرپیچی می کنند ۱ – مزامیر ۱۴:۱-۶

احمقان در دل خود می‌گویند: خدا وجود ندارد. اینها اشخاصی فاسد هستند. و کارهای زشت می‌کنند و کار نیک از آنها سر نمی‌زند. ۲ خداوند از آسمان بر مردم روی زمین می‌نگرد تا ببیند که آیا شخص فهمیده‌ای وجود دارد که طالب خدا باشد. ۳ اما همه گمراه و یکسان فاسد شده‌اند. حتی یک نفر نیکوکار هم در بین آنها نیست. ۴ خداوند می‌پرسد آیا این بدکاران شعور ندارند که بندگان مرا مانند نان می‌خورند و مرا به یاد نمی‌آورند؟ ۵ اما آنها به وحشت خواهند افتاد زیرا خدا مددکار نیکوکاران است. ۶ وقتی بدکاران نقشه‌های مسکینان را خراب می‌کنند، خداوند پناهگاه آنان است

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟
این برای شما چه معنی می‌دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

همه از قوانین خدا سرپیچی می‌کنند ۲ – رومیان ۳: ۹-۱۸

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می‌کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می‌خوانند

گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

همه از قوانین خدا سرپیچی می کنند ۲ - رومیان ۳: ۹-۱۸

پس چه؟ آیا ما یهودیان از غیر یهودیان وضع بهتری داریم؟ ابدأ، پیش از این نشان دادیم که یهودیان و غیر یهودیان، همه اسیر گناه هستند. ۱۰ چنانکه کتاب مقدس می فرماید: حتی یک نفر نیست که کاملاً نیک باشد. ۱۱ کسی نیست که بفهمد یا جویای خدا باشد. ۱۲ همه آدمیان از خدا روگردانیده اند، همگی از راه راست منحرف شده اند؛ حتی یک نفر نیکوکار نیست. ۱۳ گلویشان مثل قبر روباز است، زبانشان را برای فریب دادن بکار میبرند و از لبهایشان سخنانی کشنده مانند زهر مار جاری است. ۱۴ دهانشان پر از دشنامهای زننده است ۱۵ و پاهایشان برای خونریزی شتابان است. ۱۶ به هر کجا که میروند، ویرای و بدبختی بجا میگذارند، ۱۷ و راه صلح و سلامتی را نشناخته اند. ۱۸ خدا ترسی به نظر ایشان نمیرسد.

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

پرداخت برای نافرمانی - لاویان ۴: ۱۳-۲۱

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

پرداخت برای نافرمانی – لاویان ۴:۱۳-۲۱

، هرگاه تمام قوم اسرائیل ناآگاهانه مرتکب گناه شوند و یکی از احکام خداوند را بجا نیاورند، با وجودی که خطا عمدی نباشد گناهکار محسوب می شوند. ۱۴ وقتی گناه ایشان آشکار گردد، آنها باید گوساله نری را به عنوان قربانی گناه به خیمه مقدس بیاورند. ۱۵ رهبران قوم به حضور خداوند دستهای خود را بر سر گوساله بگذارند و در آنجا سرش را ببرند. ۱۶ بعد کاهن اعظم خون گوساله را به خیمه مقدس بیاورد ۱۷ و انگشت خود را در خون فرو برد و آن را هفت بار در جلوی پرده مقدس بپاشد. ۱۸ سپس کمی از خون را بر چهار شاخ قربانگاه بخور که در داخل خیمه مقدس است، بمالد و باقیمانده خون را نزدیک در ورودی خیمه مقدس بپاشد. ۱۹ سپس تمام چربی آن را بگیرد و بر قربانگاه بسوزاند. ۲۰ کاهن همان کاری را که با گوساله قربانی گناه کرد، با این گوساله هم بکند. به این ترتیب تاوان گناهان قوم داده می شود و همگی بخشیده می شوند. ۲۱ بعد گوساله قربانی شده را به بیرون اردوگاه ببرد، آن را مثل گوساله اول بسوزاند. با این قربانی، تمام قوم از گناه پاک می شوند

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

نعمت بخشش – مزامیر ۳۲

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

نعمت بخشش - مزامیر ۳۲

خوشا به حال کسانی که گناهانشان آمرزیده و خطاهایشان بخشیده شده است. ۲ خوشا به حال کسی که خداوند او را مجرم نشمارد و کسی که در او مکر و حيله ای نیست. ۳ هنگامی که گناهان خود را اعتراف نمی کردم تمام روز از ناله و زاری از بین می رفتم. ۴ خداوند، تو شب و روز مرا تنبیه می کردی. قدرت خود را کاملاً از دست داده بودم، همان گونه که رطوبت در گرمای تابستان، خشک می شود. ۵ سپس گناهان خود را نزد تو اعتراف نمودم و خطاهای خود را پنهان نساختم و گفتم من در حضور خداوند به گناهان خود اعتراف می کنم. آنگاه تو گناهان مرا بخشیدی. ۶ پس هر شخص وفادار باید در وقت سختی و مشکلات به حضور خداوند دعا کند تا اگر سیلاب سختی ها طغیان کند به او صدمه ای نرساند. ۷ تو پناهگاه من هستی و مرا از مشکلات نجات می دهی، با آواز بلند خواهم سراپید زیرا تو مرا حمایت کرده ای. ۸ خداوند می فرماید: من راهی را که باید بروی به تو خواهم آموخت و تو را هدایت و نگهداری خواهم کرد. ۹ مانند اسب و قاطر، نادان و بی شعور نباشید که با افسار و لگام هدایت می شوند و مطیع می گردند. ۱۰ مردمان شریر در رنج و عذاب می باشند، اما کسانی که به خداوند توکل دارند از محبت بی پایان او برخوردار می شوند. ۱۱ ای نیکوکاران به خاطر آنچه خداوند انجام داده است، شادی نمایید. ای کسانی که مطیع او هستید، شادمان باشید

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت

چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

نقشه خدا از طریق یک خانواده – پیدایش ۸-۱:۱۲؛ ۶-۱:۱۵؛ ۸-۱:۱۷

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

نقشه خدا از طریق یک خانواده – پیدایش ۸-۱:۱۲؛ ۶-۱:۱۵؛ ۸-۱:۱۷

پیدایش ۸-۱:۱۲

خداوند به آبرام فرمود: وطن خود، بستگان و خانه پدری خود را ترک کن و به طرف سرزمینی که به تو نشان می دهم برو. ۲ من به تو قومی کثیر خواهم داد و آنان ملتی بزرگ خواهند شد. من تو را برکت خواهم داد و نام تو مشهور و معروف خواهد شد، لذا تو خودت مایه برکت خواهی بود. ۳ به کسانی که تو را برکت دهند، برکت خواهم داد، اما به کسانی که تو را لعنت کنند، لعنت خواهم کرد و به وسیله تو همه ملتها را برکت خواهم داد. ۴ همان طور که خداوند فرموده بود، هنگامی که آبرام هفتاد و پنج سال داشت از حران خارج شد. لوط هم همراه او بود. ۵ آبرام زن خود سارای و لوط پسر برادرش - و تمام دارایی و غلامانی را که در حران به دست آورده بود، با خود برد و آنها به طرف سرزمین کنعان حرکت کردند. وقتی آنها به سرزمین کنعان رسیدند، ۶ آبرام در آنجا گشت تا به درخت مقدس موره در زمین شکیم رسید. ۷ خداوند به آبرام ظاهر شد

، و به او فرمود: این سرزمینی است که من به نسل تو می‌دهم. پس ابرام در آنجا که خداوند خود را بر او ظاهر کرده بود قربانگاهی بنا کرد. ۸ بعد از آن او حرکت کرده به طرف تپه‌های شرقی شهر بیت‌نیل رفت و اردوی خود را بین بیت‌نیل در مغرب و عای در مشرق بنا کرد. در آنجا نیز قربانگاهی برای خداوند بنا کرد و خداوند را پرستش نمود

پیدایش ۱۵: ۱-۶

بعد از این ابرام رؤیایی دید و صدای خداوند را شنید که به او می‌گوید: «ابرام، نترس، من تو را از خطر حفظ خواهم کرد و به تو پاداش بزرگی خواهم داد. ۲ ابرام جواب داد: ای خداوند، خدای من، چه پاداشی به من خواهی داد، در حالی که من فرزندی ندارم؟ تنها وارث من این الیعزر دمشقی است. ۳ تو به من فرزندی ندادی و یکی از غلامان من وارث من خواهد شد. ۴ پس او شنید که خداوند دوباره به او می‌گوید: این غلام تو الیعزر وارث تو نخواهد بود. پسر تو وارث تو خواهد بود خداوند او را بیرون برد و فرمود: به آسمان نگاه کن و بکش ستاره‌ها را بشماری. فرزندان تو به همین اندازه زیاد خواهند شد. ۶ ابرام به خداوند ایمان آورد و به‌خاطر این، خداوند او را کاملاً نیک شمرد و او را قبول کرد

پیدایش ۱۷: ۱-۸

وقتی ابرام نود و نه ساله بود، خداوند بر او ظاهر شد و فرمود: من خدای قادر مطلق هستم. از من اطاعت کن و همیشه آنچه را که درست است انجام بده. ۲ من با تو پیمان می‌بندم و نسلهای بسیاری به تو می‌دهم. ۳ ابرام روی زمین افتاد و صورت خود را به زمین گذاشت. خدا فرمود: ۴ من این پیمان را با تو می‌بندم: من به تو قول می‌دهم که تو پدر قومهای زیادی خواهی شد. ۵ اسم تو بعد از این 'ابرام' نخواهد بود بلکه 'ابراهیم'، زیرا من تو را پدر قومهایی بسیار خواهم نمود. ۶ من به تو فرزندان بسیار می‌دهم و بعضی از آنها پادشاه خواهند شد. نسل تو زیاد خواهد شد و هریک از آنها برای خود قومی خواهند گردید. ۷ من پیمان خود را با تو و فرزندان تو در نسلهای آینده به صورت یک پیمان ابدی حفظ خواهم کرد. من خدای تو و خدای فرزندان تو خواهم بود. ۸ من این زمین را که اکنون در آن بیگانه هستی به تو و به فرزندان تو خواهم داد تمام سرزمین کنعان برای همیشه متعلق به نسل تو خواهد شد و من خدای ایشان خواهم بود

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟

این برای شما چه معنی می‌دهد؟

چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟

چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت

چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟

کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

ایمان ابراهیم آزمایش می‌شود - پیدایش ۲۱: ۱-۷؛ ۲۲: ۱-۱۹

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

ایمان ابراهیم آزمایش می شود - پیدایش ۲۱: ۱-۷

خداوند همانطور که وعده داده بود، سارا را برکت داد ۲ و در وقتی که ابراهیم پیر بود، سارا حامله شد و پسری برای او زایید. این پسر در همان وقتی که خدا فرموده بود به دنیا آمد. ۳ ابراهیم اسم او را اسحاق گذاشت. ۴ وقتی اسحاق هشت روزه شد، ابراهیم همانطور که خدا به او دستور داده بود، او را ختنه کرد. ۵ وقتی اسحاق متولد شد ابراهیم صد ساله بود. ۶ سارا گفت: خدا برای من شادی و خنده آورده است و هر که این را بشنود با من خواهد خندید. ۷ سپس اضافه کرد: چه کسی می توانست به ابراهیم بگوید که سارا بچه شیر خواهد داد؟ چون من در موقع پیری او پسری برایش زاییده ام

ایمان ابراهیم آزمایش می شود - پیدایش ۲۲: ۱-۱۹

مدتی بعد خدا ابراهیم را امتحان کرد و به او فرمود: ابراهیم! ابراهیم جواب داد: بله ای خداوند. ۲ خدا فرمود: پسر عزیزت اسحاق را که خیلی دوست می داری، بردار و به سرزمین موریاب برو. آنجا او را بر روی کوهی که به تو نشان خواهم داد برای من قربانی کن. ۳ روز بعد، ابراهیم صبح زود بلند شد. مقداری هیزم برای قربانی شکست و آنها را بر روی الاغ گذاشت. اسحاق و دو نفر از نوکران خود را برداشت و به طرف جایی که خدا فرموده بود به راه افتاد. ۴ روز سوم، ابراهیم آن محل را از فاصله دور دید. ۵ به نوکران خود گفت: اینجا نزد الاغ بمانید. من و پسر من به آنجا می رویم تا عبادت کنیم. بعداً نزد شما برمی گردیم. ۶ ابراهیم هیزمها را بر دوش اسحاق گذاشت و خودش کارد و آتش برای روشن کردن هیزم برداشت و برای گذراندن قربانی با هم به راه افتادند. ۷ اسحاق گفت: پدر!، ابراهیم جواب داد: بله پسر من! اسحاق پرسید: می بینم که تو آتش و هیزم داری، پس بزه برای قربانی کجاست؟ ۸ ابراهیم جواب داد: خدا خودش آن را آماده می کند. هر دوی آنها با هم رفتند. ۹ وقتی آنها به جایی رسیدند که خداوند فرموده بود، ابراهیم یک قربانگاه درست کرد و هیزمها را روی آن گذاشت پسر خود را بست و او را روی قربانگاه، روی هیزمها قرار داد. ۱۰ سپس چاقو را به دست گرفت تا او را قربانی کند. ۱۱ اما فرشته خداوند از آسمان او را صدا کرد و گفت: ابراهیم، ابراهیم! او جواب داد بلی، ای خداوند. ۱۲ فرشته گفت: به پسر خود صدمه نزن و هیچ کاری با او نکن. من حالا فهمیدم که تو از خدا اطاعت می کنی و به او احترام می گذاری. زیرا تو پسر عزیز خود را از او مضایقه نکردی. ۱۳ ابراهیم به طرف صدا نگاه کرد قوچی را دید که شاخهایش به درختی گیر کرده

است. او رفت و آن را گرفت و به عنوان قربانی سوختنی به جای پسرش قربانی کرد. ۱۴ ابراهیم آنجا را «خداوند مهیا می‌کند» نامید و حتی امروز هم مردم می‌گویند بر کوه خداوند، او مهیا می‌کند. ۱۵ فرشته خداوند، برای بار دوم از آسمان ابراهیم را صدا کرد و گفت: ۱۶ من به تو وعده می‌دهم و به اسم خودم قسم می‌خورم که تو را به فراوانی برکت خواهم داد زیرا تو این‌کار را کردی و پسر عزیز خود را از من مضایقه نکردی. ۱۷ من قول می‌دهم که نسل تو را مانند ستارگان آسمان و شنهای ساحل دریا زیاد کنم. نسلهای تو بر دشمنان خود پیروز خواهند شد. ۱۸ تمام ملتها از من خواهند خواست همان‌طور که نسل تو را برکت داده‌ام، نسل آنها را هم برکت دهم. فقط به خاطر اینکه تو از من اطاعت کردی. ۱۹ ابراهیم نزد نوکران خود برگشت و آنها با هم به بشر شمع رفتند و ابراهیم در آنجا ساکن شد

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟
این برای شما چه معنی می‌دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

خدا وعده نجات دهنده می‌دهد – اشعیا ۵۲: ۱۳-۱۵؛ ۵۳: ۱-۱۲

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می‌کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

خدا وعده نجات دهنده می دهد - اشعیا ۵۲: ۱۳-۱۵

خداوند می گوید: بنده من موفق و کامیاب خواهد شد، او به رتبه ای عالی و بلند دست خواهد یافت. ۱۴ مردم از دیدن او وحشت می کردند، قیافه او چنان کریه بود که شباهتی به آدمیان نداشت. ۱۵ اما اکنون ملت های زیادی در حسرت اند و پادشاهان از تعجب و حیرت گیج شده اند. آنها اکنون چیزی را می بینند و می فهمند که قبلاً هرگز نمی دانستند

خدا وعده نجات دهنده می دهد - اشعیا ۵۳: ۱-۱۲

مردم در جواب می گویند: چه کسی می توانست آنچه را که ما اکنون شنیدیم، باور کند؟ چه کسی می توانست در تمام این چیزها قدرت خداوند را ببیند؟ ۲ اراده خداوند بر آن بود که بنده او مثل نهالی در زمین خشک رشد کند. او نه زیبایی و نه ابهتی داشت که مردم به او توجه کنند، و نه جذابیتی که توجه دیگران را جلب کند. ۳ ما او را خوار شمردیم و طرد کردیم، و او متحمل رنج و درد شد. کسی نمی خواست حتی به او نگاه کند، ما او را نادیده گرفتیم، مثل اینکه اصلاً وجود نداشت. ۴ او متحمل مجازاتی شد که حق ما بود و او دردهایی را تحمل کرد که می بایست ما تحمل می کردیم. و ما پنداشتیم که درد و رنج و زحمتهای او مجازاتی از جانب خدا بود. ۵ اما به خاطر گناهان ما، او مجروح شد و به خاطر شرارتهای ما، او مضروب گردید. و به خاطر دردی که او متحمل شد، شفا یافتیم و به خاطر ضربه هایی که او تحمل کرد، سالم شدیم. ۶ همه ما مثل گوسفندان گمشده بودیم و هریک از ما به راه خود می رفت خداوند گناه ما را به حساب او آورد، و او به جای ما متحمل آن مجازات شد. ۷ با او، با خشونت رفتار شد، اما او با فروتنی آن را تحمل کرد. مانند بزّه ای که به کشتارگاه می برند و مانند گوسفندی که در حال پشم چینی ساکت است، او دهان خود را ننگشود. ۸ او را ظالمانه گرفتند، محکوم کردند و به پای مرگ بردند، و هیچ کس اعتنایی به سرنوشت او نداشت. او به خاطر گناهان قوم ما کشته شد. ۹ او را در مقبره شیران و در کنار دولتمندان دفن کردند، هر چند که او هیچ وقت مرتکب جرمی نشده بود و هیچ ناراستی در دهانش نبود. ۱۰ خداوند می گوید: این اراده من بود که او متحمل چنین رنجی بشود. او برای آوردن بخشش و آمرزش قربانی شد به این دلیل زندگی او طولانی خواهد بود و او نوازه خود را خواهد دید. و به وسیله او اراده من، که منتهی به مسرت است، اجرا خواهد شد. ۱۱ بعد از تحمل یک زندگی پررنج، او ثمره مشقت خود را خواهد دید؛ او خواهد دانست که درد و رنج او بیهوده نبوده است. بنده صادق من که از او شنودم، دردهای مردم زیادی را تحمل خواهد کرد. و من به خاطر او آنها را می بخشم. ۱۲ بنابراین من مقامی عالی، و جایگاهی میان بزرگان و صاحبان قدرت، به او خواهم داد. او جان خود را با رضایت از دست داد و به سرنوشت شیران مبتلا شد. او جای گناهکاران را گرفت و از خدا خواست تا آنها آمرزیده شوند

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟

این برای شما چه معنی می دهد؟

چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟

چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟ کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

هویت منجی - اشعیا ۹: ۱ , ۶-۷

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟ این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟ چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟ کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟ کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

هویت منجی - اشعیا ۹: ۱

برای آنانی که در غم و اندوه بودند تاریکی خواهد بود

پادشاه آینده

طایفه های زبولون و نفتالی که روزگاری خوار و خفیف بودند، در آینده موجب افتخار مردم کرانه های شرقی مدیترانه تا نواحی آن به سوی رود اردن تا ایالت جلیل -جایی که بیگانگان زندگی می کنند- خواهند بود

هویت منجی - اشعیا ۹: ۶-۷

برای ما فرزندی زاینده، پسری به ما داده شده است و او بر ما سلطنت خواهد کرد. اسم او «مشاور عجیب، خدای قدیر، پدر سرمدی و شاهزاده صلح و سلامتی» خواهد بود. ۷ قدرت شاهانه‌اش روز افزون و مملکتش همیشه در صلح خواهد بود. او مثل خاندانش داوود سلطنت می‌کند و قدرتش از حال تا ابد بر نیکی و عدالت مکتی خواهد بود. خدای متعال با اشتیاق این‌کار را به کمال خواهد رسانید

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟
این برای شما چه معنی می‌دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

منجی اعلام می‌شود – لوقا ۱: ۲۶-۳۸

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده‌اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می‌کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می‌خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می‌خواند در حالی که دیگران گوش می‌دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می‌کند

منجی اعلام می شود – لوقا ۱: ۲۶-۳۸

در ماه ششم، جبرائیل فرشته از جانب خدا به شهری به نام ناصره، که در استان جلیل واقع است ۲۷ به نزد دختر باکره‌ای که در عقد مردی به نام یوسف -از خاندان داوود- بود، فرستاده شد. نام این دختر مریم بود. ۲۸ فرشته وارد شد و به او گفت سلام، ای کسی که مورد لطف هستی، خداوند با توست. ۲۹ اما مریم از آنچه فرشته گفت بسیار مضطرب شد و ندانست که معنی این سلام چیست. ۳۰ فرشته به او گفت: ای مریم، نترس زیرا خداوند به تو لطف فرموده است. ۳۱ تو آبستن خواهی شد و پسری خواهی زایید و نام او را عیسی خواهی گذارد. ۳۲ او بزرگ خواهد بود و به پسر خدای متعال ملقب خواهد شد. خداوند، خدا تخت پادشاهی جدش داوود را به او عطا خواهد فرمود. ۳۳ او تا به ابد برخاندان یعقوب فرمانروایی خواهد کرد و پادشاهی او هرگز پایانی نخواهد داشت. ۳۴ مریم به فرشته گفت: این چگونه ممکن است؟ من باکره هستم. ۳۵ فرشته به او پاسخ داد: روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند و به این سبب آن نوزاد مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد. ۳۶ بدان که خویشاوند تو الیزابت در سن پیری پسری در رحم دارد و آن کسی که نازا به حساب می‌آمد اکنون شش ماه از حاملگی او می‌گذرد. ۳۷ زیرا برای خدا هیچ چیز محال نیست. ۳۸ مریم گفت: باشد، من کنیز خداوند هستم، همان‌طور که تو گفتی بشود. و فرشته از نزد او رفت

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

منجی متولد می شود – لوقا ۱: ۲-۲۰

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟

کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

منجی متولد می شود - لوقا ۲: ۱-۲۰

در آن روزها به منظور یک سرشماری عمومی در سراسر دنیای روم فرمانی از طرف امپراتور اوغسطس صادر شد. ۲ این اولین سرشماری بود و در آن هنگام کرینوس فرماندار کل سوریه بود. ۳ پس برای انجام سرشماری هرکسی به شهر خود می رفت ۴ و یوسف نیز از شهر ناصره جلیل به یهودیه آمد تا در شهر داوود، که بیت لحم نام داشت نامنویسی کند زیرا او از خاندان داوود بود. ۵ او مریم را که در این موقع در عقد او و باردار بود همراه خود برد. ۶ هنگامی که در آنجا اقامت داشتند وقت تولد طفل فرا رسید ۷ و مریم اولین فرزند خود را که پسر بود به دنیا آورد. او را در قنذاق پیچیده در آخوری خوابانید، زیرا در مسافرخانه جایی برای آنان نبود

چوپانان و فرشتگان

در همان اطراف در میان مزارع، چوپانانی بودند که در هنگام شب از گله خود نگهبانی می کردند. ۹ فرشته خداوند در برابر ایشان ایستاد و شکوه و جلال خداوند در اطرافشان درخشید و ایشان سخت وحشت کردند. ۱۰ اما فرشته گفت نترسید من برای شما مژده ای دارم: بشادی بزرگی شامل حال تمامی این قوم خواهد شد. ۱۱ امروز در شهر داوود نجات دهنده ای برای شما به دنیا آمده است که مسیح و خداوند است. ۱۲ نشانی آن برای شما این است که نوزاد را در قنذاق پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت. ۱۳ ناگهان با آن فرشته فوج بزرگی از سپاه آسمانی ظاهر شد که خدا را با حمد و ثنا می سربایند و می گفتند: ۱۴ خدا را در برترین آسمانها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد پسند او می باشند صلح و سلامتی باد. ۱۵ بعد از آنکه فرشتگان آنان را ترک کردند و به آسمان رفتند، چوپانان به یکدیگر گفتند: بیایید، به بیت لحم برویم و واقعه ای را که خداوند ما را از آن آگاه ساخته است ببینیم. ۱۶ پس باشتاب رفتند و مریم و یوسف و آن کودک را که در آخور خوابیده بود پیدا کردند. ۱۷ وقتی که چوپانان کودک را دیدند، آنچه را که درباره او به آنان گفته شده بود بیان کردند. ۱۸ همه شنوندگان از آنچه چوپانان می گفتند تعجب می کردند. ۱۹ اما مریم تمام این چیزها را به خاطر می سپرد و درباره آنها عمیقاً می اندیشید. ۲۰ چوپانان برگشتند و به خاطر آنچه شنیده و دیده بودند خدا را حمد و سپاس می گفتند، زیرا آنچه به ایشان گفته شده بود اتفاق افتاده بود

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟

چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

عیسی تعمید میگیرد - یوحنا ۱: ۲۹-۳۴

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

عیسی تعمید میگیرد - یوحنا ۱: ۲۹-۳۴

روز بعد، وقتی یحیی عیسی را دید که به طرف او می آید، گفت: نگاه کنید این است آن برّه خدا که گناه جهان را برمی دارد. ۳۰ این است آن کسی که درباره اش گفتم که بعد از من مردی می آید که بر من تقدّم و برتری دارد، زیرا پیش از تولّد من او وجود داشته است. ۳۱ من او را نمی شناختم، امّا آمدم تا با آب تعمید دهم و به این وسیله او را به اسرائیل بشناسانم. ۳۲ یحیی شهادت خود را این طور ادامه داد: من روح خدا را دیدم که به صورت کبوتری از آسمان آمد و بر او قرار گرفت. ۳۳ من او را نمی شناختم امّا آن کسی که مرا فرستاد تا با آب تعمید دهم به من گفته بود، هرگاه ببینی که روح بر

کسی نازل شود و بر او قرار گیرد، بدان که او همان کسی است که به روح القدس تعمیم می‌دهد. ۳۴ من این را دیده‌ام و شهادت می‌دهم که او پسر خداست

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟
این برای شما چه معنی می‌دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

عیسی بر وسوسه غلبه می‌کند – متی ۴: ۱-۱۱

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده‌اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می‌کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می‌خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می‌خواند در حالی که دیگران گوش می‌دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می‌کند

عیسی بر وسوسه غلبه می کند - متی ۴: ۱-۱۱

آنگاه روح، عیسی را به بیابان برد تا ابلیس او را در مقابل وسوسه‌ها امتحان کند. ۲ عیسی چهل شبانه‌روز، روزه گرفت و سرانجام گرسنه شد. ۳ در آن وقت وسوسه کننده به او نزدیک شده گفت: اگر که تو پسر خدا هستی بگو این سنگها نان بشود عیسی در جواب گفت: کتاب مقدس می‌فرماید «زندگی انسان فقط بسته به نان نیست، بلکه به هر کلمه‌ای که خدا ۴ می‌فرماید.» ۵ آنگاه ابلیس او را به شهر مقدس برده بر روی کنگره معبد بزرگ قرار داد ۶ و به او گفت: اگر تو پسر خدا هستی خود را از اینجا به پایین بینداز زیرا کتاب مقدس می‌فرماید: او به فرشتگان خود فرمان خواهد داد و آنان تو را با دستهای خود خواهند گرفت مبادا پایت به سنگی بخورد. ۷ عیسی جواب داد: کتاب مقدس همچنین می‌فرماید «خداوند خدای خود را امتحان نکن.» ۸ بار دیگر ابلیس او را بر بالای کوه بسیار بلندی برد و تمامی ممالک جهان و شکوه و جلال آنها را به او نشان داد. ۹ و گفت: اگر نزد من سجد کنی و مرا بپرستی، همه اینها را به تو خواهم داد. ۱۰ عیسی به او فرمود: دور شو ای شیطان، کتاب مقدس می‌فرماید: «باید خداوند خدای خود را بپرستی و فقط او را خدمت نمایی.» ۱۱ آنگاه ابلیس عیسی را ترک نموده و فرشتگان آمده، او را خدمت کردند

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

مردی که به دنبال خداست - یوحنا ۳: ۱-۲۱

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟

کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

مردی که به دنبال خداست – یوحنا ۳: ۱-۲۱

یک نفر از فریسیان به نام نيقوديموس که از بزرگان قوم يهود بود، ۲ یک شب نزد عیسی آمد و به او گفت: ای استاد، ما می دانیم تو معلمی هستی که از طرف خدا آمده ای زیرا هیچ کس نمی تواند معجزاتی را که تو می کنی انجام دهد، مگر آنکه خدا با او باشد. ۳ عیسی پاسخ داد: یقین بدان تا شخص از نو تولد نیابد نمی تواند پادشاهی خدا را ببیند. ۴ نيقوديموس در جواب گفت: چگونه ممکن است شخص سالخورده ای از نو متولد شود؟ آیا می تواند باز به رحم مادر خود برگردد و دوباره تولد یابد؟ ۵ عیسی پاسخ داد: یقین بدان که هیچ کس نمی تواند به پادشاهی خدا وارد شود مگر آنکه از آب و روح تولد یابد. ۶ آنچه از جسم تولد بیاید، جسم است و آنچه از روح متولد گردد، روح است. ۷ تعجب نکن که به تو می گویم همه باید دوباره متولد شوند. ۸ باد هر جا که بخواهد می وزد صدای آن را می شنوی، اما نمی دانی از کجا می آید، یا به کجا می رود، حالت کسی هم که از روح خدا متولد می شود همین طور است. ۹ نيقوديموس در جواب گفت: این چگونه ممکن است؟ ۱۰ عیسی گفت: آیا تو که یک معلم بزرگ اسرائیل هستی، این چیزها را نمی دانی؟ ۱۱ یقین بدان که ما از آنچه می دانیم سخن می گوئیم و به آنچه دیده ایم شهادت می دهیم، ولی شما شهادت ما را قبول نمی کنید. ۱۲ وقتی درباره امور زمینی سخن می گوئیم و آن را باور نمی کنید، اگر درباره امور آسمانی سخن بگوئیم چگونه باور خواهید کرد؟ ۱۳ کسی هرگز به آسمان بالا نرفت، مگر آن کس که از آسمان پایین آمد، یعنی پسر انسان که جایش در آسمان است. ۱۴ همان طوری که موسی در بیابان مار برنزی را بر بالای تیری قرار داد، پسر انسان هم باید بالا برده شود ۱۵ تا هر کس به او ایمان بیاورد صاحب حیات جاودان گردد. ۱۶ زیرا خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردهد، بلکه صاحب حیات جاودان شود. ۱۷ زیرا خدا پسر خود را به جهان فرستاد که جهانیان را محکوم نماید بلکه تا آنان را نجات بخشد. ۱۸ هر کس به او ایمان بیاورد محکوم نمی شود اما کسی که به او ایمان نیاورد در محکومیت باقی می ماند، زیرا به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است. ۱۹ حکم این است که نور به جهان آمد ولی مردم به علت کارهای شرارت آمیز خود تاریکی را بر نور ترجیح دادند، ۲۰ زیرا کسی که مرتکب کارهای بد می شود از نور متنفر است و از آن دوری می جوید مبادا کارهایش مورد سرزنش واقع شود. ۲۱ اما شخص نیکوکار به سوی نور می آید تا روشن شود که کارهایش در اتحاد با خدا انجام شده است

ببر سید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

عیسی طوفان را آرام می کند - مرقس ۴: ۳۵-۴۱

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

عیسی طوفان را آرام می کند - مرقس ۴: ۳۵-۴۱

عصر همان روز عیسی به شاگردان فرمود: به آن طرف دریا برویم. ۳۶ پس آنها جمعیت را ترک کردند و او را با همان قایقی که در آن نشسته بود، بردند و قایقهای دیگری هم همراه آنها بود. ۳۷ توفان شدیدی برخاست و امواج به قایق می زد به طوری که نزدیک بود، قایق غرق شود. ۳۸ در این موقع عیسی در عقب قایق، سر خود را روی بالشی گذاشته و خوابیده

بود. شاگردانش او را بیدار کردند و به او گفتند: ای استاد، مگر در فکر ماها نیستی؟ نزدیک است که ما غرق شویم! ۳۹ او برخاست و با پر خاش به باد فرمان داد و به دریا گفت: ساکت و آرام شو. باد ایستاد و آرامش کامل برقرار شد. ۴۰ بعد عیسی به ایشان فرمود: «چرا این قدر ترسیده‌اید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟» ۴۱ آنها وحشت‌زده به یکدیگر می‌گفتند: این کیست که حتی باد و دریا هم از او اطاعت می‌کنند؟

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟
این برای شما چه معنی می‌دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

اقتدار عیسی بر ارواح – مرقس ۵: ۱-۲۰

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده‌اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می‌کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می‌خوانند

گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

اقتدار عیسی بر ارواح - مرقس ۵: ۱-۲۰

به این ترتیب عیسی و شاگردانش به طرف دیگر دریا، به سرزمین جدریان رفتند. ۲ همین که عیسی قدم به خشکی گذاشت مردی که گرفتار روح پلید بود، از گورستان بیرون آمده، نزد او رفت. ۳ او در گورستان زندگی می کرد و هیچ کس نمی توانست او را حتی با زنجیر در بند نگه دارد. ۴ بارها او را با گنده و زنجیر بسته بودند، اما زنجیرها را پاره کرده و گنده ها را شکسته بود و هیچ کس نمی توانست او را آرام کند. ۵ او شب و روز در گورستان و روی تپه ها آواره بود و دائماً فریاد می کشید و خود را با سنگ مجروح می ساخت. ۶ وقتی عیسی را از دور دید، دوید و در برابر او سجده کرد ۷ و با صدای بلند فریاد زد: ای عیسی، پسر خدای متعال، با من چه کار داری؟ تو را به خدا مرا عذاب نده. ۸ زیرا عیسی به او گفته بود: ای روح پلید از این مرد بیرون بیا. ۹ عیسی از او پرسید: اسم تو چیست؟ او گفت: اسم من سپاه است، چون ما عدّه زیادی هستیم. ۱۰ و بسیار التماس کرد، که عیسی آنها را از آن سرزمین بیرون نکند. ۱۱ در این موقع یک گله بزرگ خوک در آنجا بود که روی تپه ها می چریدند. ۱۲ ارواح به او التماس کرده گفتند: ما را به میان خوکها بفرست تا به آنها وارد شویم. ۱۳ عیسی به آنها اجازه داد و ارواح پلید بیرون آمدند و در خوکها وارد شدند و گله ای که تقریباً دو هزار خوک بود با سرعت از سرایشی به طرف دریا دویدند و در دریا غرق شدند. ۱۴ خوکبانان فرار کردند و این خبر را در شهر و حومه های اطراف پخش کردند. مردم از شهر بیرون رفتند تا آنچه را که اتفاق افتاده بود، ببینند. ۱۵ وقتی آنها نزد عیسی آمدند و آن دیوانه را که گرفتار گروهی از ارواح پلید بود دیدند، که لباس پوشیده و با عقل سالم در آنجا نشسته است، بسیار هراسان شدند. ۱۶ کسانی که شاهد ماجرا بودند، آنچه را که برای مرد دیوانه و خوکها اتفاق افتاده بود، برای مردم تعریف کردند. ۱۷ پس مردم از عیسی خواهش کردند از سرزمین آنها بیرون برود. ۱۸ وقتی عیسی می خواست سوار قایق بشود، مردی که قبلاً دیوانه بود، از عیسی خواهش کرد که به وی اجازه دهد همراه او برود. ۱۹ اما عیسی به او اجازه نداد بلکه فرمود: به منزل خود نزد خانواده ات برو و آنها را از آنچه خداوند از راه لطف خود برای تو کرده است، آگاه کن. ۲۰ آن مرد رفت و آنچه را عیسی برایش انجام داده بود، در سرزمین دکاپولس منتشر کرد و همه مردم تعجب می کردند

بیرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

عیسی یک مرد فلج را شفا می دهد – لوقا ۵: ۱۷-۲۶

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

عیسی یک مرد فلج را شفا می دهد – لوقا ۵: ۱۷-۲۶

روزی عیسی مشغول تعلیم بود و پیروان فرقه فریسی و آموزگاران شریعت که از تمام روستاهای جلیل و از یهودیه و اورشلیم آمده بودند، در اطراف او نشسته بودند و او با قدرت خداوند بیماران را شفا می داد. ۱۸ در این هنگام چند مرد دیده شدند که مفلوجی را روی تختی می آوردند. آنها سعی می کردند او را به داخل بیاورند و در برابر عیسی به زمین بگذارند. ۱۹ اما به علت کثرت جمعیت نتوانستند راهی پیدا کنند که او را به داخل آورند. بنابراین به بام رفتند و او را با تشک از میان سفالهای سقف پایین گذاشتند و در وسط جمعیت در برابر عیسی قرار دادند. ۲۰ عیسی وقتی ایمان آنها را دید فرمود: ای دوست، گناهان تو بخشیده شد. ۲۱ علما و فریسیان به یکدیگر می گفتند: این کیست که حرفهای کفرآمیز می زند؟ چه کسی جز خدا می تواند گناهان را ببخشد؟ ۲۲ اما عیسی افکار آنان را درک کرد و در جواب فرمود: چرا چنین افکاری را در ذهن خود می پرورانید؟ ۲۳ آیا گفتن اینکه گناهان تو بخشیده شد، آسانتر است یا گفتن اینکه بلند شو و راه برو؟ ۲۴ اما برای اینکه بدانید پسر انسان در روی زمین قدرت و اختیار آمرزیدن گناهان را دارد، به آن مرد مفلوج گفت به تو می گویم بلند شو، تشک خود را بردار و به خانه برو. ۲۵ او فوراً پیش چشم آنان روی پاهای خود برخاست، تشکی را که روی آن خوابیده بود برداشت و خدا را حمدگویان به خانه رفت. ۲۶ همه غرق در حیرت شدند و خدا را حمد کردند و با ترس می گفتند: امروز چیزهای عجیبی دیدیم

بیرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟

چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

زنی در جستجوی خدا – یوحنا ۴: ۱-۲۶ , ۳۹-۴۲

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

زنی در جستجوی خدا – یوحنا ۴: ۱-۲۶

وقتی خداوند فهمید که فریسیان شنیده اند که او بیشتر از یحیی شاگرد پیدا کرده و آنها را تعمیم می دهد ۲ (هرچند شاگردان عیسی تعمیم می دادند نه خود او) ۳ یهودیه را ترک کرد و به جلیل برگشت ۴ ولی لازم بود از سامره عبور کند. ۵ او به شهری از سامره که سوخار نام داشت، نزدیک مزرعه ای که یعقوب به پسر خود یوسف بخشیده بود، رسید. ۶ چاه یعقوب در آنجا بود و عیسی که از سفر خسته شده بود، در کنار چاه نشست. تقریباً ظهر بود. ۷ یک زن سامری برای کشیدن آب آمد.

عیسی به او گفت: قدری آب به من بده. ۸ زیرا شاگردانش برای خرید غذا به شهر رفته بودند. ۹ زن سامری گفت چطور تو که یک یهودی هستی از من که یک زن سامری هستم آب می‌خواهی؟ (او این را گفت چون یهودیان با سامریان معاشرت نمی‌کنند.) ۱۰ عیسی به او پاسخ داد: اگر می‌دانستی بخشش خدا چیست و کیست که از تو آب می‌خواهد، حتماً از او خواهش می‌کردی و او به تو آب زنده عطا می‌کرد. ۱۱ زن گفت: ای آقا دلو نداری و این چاه عمیق است. از کجا آب زنده می‌آوری؟ ۱۲ آیا تو از جدّ ما یعقوب بزرگتری که این چاه را به ما بخشید و خود او و پسران و گله‌اش از آن آشامیدند؟ ۱۳ عیسی گفت: هر که از این آب بنوشد باز تشنه خواهد شد، ۱۴ اما هر کس از آبی که من می‌بخشم بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد، زیرا آن آبی که به او می‌دهم در درون او به چشمه‌ای تبدیل خواهد شد که تا حیات جاودان خواهد جوشید. ۱۵ زن گفت: ای آقا، آن آب را به من بده تا دیگر تشنه نشوم و برای کشیدن آب به اینجا نیایم. ۱۶ عیسی به او فرمود: برو شوهرت را صدا کن و به اینجا برگرد. ۱۷ زن پاسخ داد: شوهر ندارم. عیسی گفت: راست می‌گویی که شوهر نداری، ۱۸ زیرا تو پنج شوهر داشته‌ای و آن مردی هم که اکنون با تو زندگی می‌کند شوهر تو نیست. آنچه گفتی درست است. ۱۹ زن گفت: ای آقا می‌بینم که تو نبی هستی. ۲۰ پدران ما در روی این کوه عبادت می‌کردند، اما شما یهودیان می‌گویید، باید خدا را در اورشلیم عبادت کرد. ۲۱ عیسی گفت: ای زن، باور کن زمانی خواهد آمد که پدر را نه بر روی این کوه پرستش خواهید کرد و نه در اورشلیم. ۲۲ شما سامریان آنچه را نمی‌شناسید می‌پرستید اما آنچه را که می‌شناسیم عبادت می‌کنیم، زیرا رستگاری به وسیله قوم یهود می‌آید. ۲۳ اما زمانی می‌آید - و این زمان هم اکنون شروع شده است - که پرستندگان حقیقی، پدر را با روح و راستی عبادت خواهند کرد، زیرا پدر طالب این‌گونه پرستندگان می‌باشد. ۲۴ خدا روح است و هر که او را می‌پرستد باید با روح و راستی عبادت نماید. ۲۵ زن گفت: من می‌دانم مسیح یا کریستوس خواهد آمد و هروقت بیاید، همه چیز را به ما خواهد گفت. ۲۶ عیسی گفت: من که با تو صحبت می‌کنم همانم

زنی در جستجوی خدا - یوحنا ۴: ۳۹-۴۲

به‌خاطر شهادت آن زن که گفته بود «آنچه تا به حال کرده بودم به من گفت»، در آن شهر عدّه زیادی از سامریان به عیسی ایمان آوردند. ۴۰ وقتی سامریان نزد عیسی آمدند از او خواهش کردند که نزد آنها بماند. پس عیسی دو روز در نزد آنها ماند. ۴۱ و عدّه زیادی به‌خاطر سخنان او ایمان آوردند. ۴۲ و به آن زن گفتند: حالا دیگر به‌خاطر حرف تو نیست که ما ایمان داریم زیرا ما خود سخنان او را شنیده‌ایم و می‌دانیم که او در حقیقت نجات‌دهنده عالم است

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟
این برای شما چه معنی می‌دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

قدرت عیسی بر مرگ – یوحنا ۱۱: ۱-۴۴

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

قدرت عیسی بر مرگ – یوحنا ۱۱: ۱-۴۴

مردی به نام ایلعازر، از اهالی بیت عنیا یعنی دهکده مریم و خواهرش مرتا، مریض بود. ۲ مریم همان بود که به پاهای خداوند عطر ریخت و آنها را با گیسوان خود خشک کرد و اکنون برادرش ایلعازر بیمار بود. ۳ پس خواهرانش برای عیسی پیغام فرستادند که: ای خداوند، آن کسی که تو او را دوست داری بیمار است. ۴ وقتی عیسی این را شنید گفت: این بیماری به مرگ او منجر نخواهد شد بلکه وسیله ای برای جلال خداست تا پسر خدا نیز از این راه جلال یابد. ۵ عیسی مرتا و خواهر او و ایلعازر را دوست می داشت. ۶ پس وقتی از بیماری ایلعازر باخبر شد دو روز دیگر در جایی که بود توقف کرد. ۷ و سپس به شاگردانش گفت: بیایید باز با هم به یهودیه برویم. ۸ شاگردان به او گفتند: ای استاد، هنوز از آن وقت که یهودیان می خواستند تو را سنگسار کنند، چیزی نگذشته است. آیا باز هم می خواهی به آنجا بروی؟ ۹ عیسی پاسخ داد: آیا یک روز دوازده ساعت نیست؟ کسی که در روز راه می رود لغزش نمی خورد زیرا نور این جهان را می بیند. ۱۰ اما اگر کسی در شب راه برود می لغزد، زیرا در او هیچ نوری وجود ندارد. ۱۱ عیسی این را گفت و افزود: دوست ما ایلعازر خوابیده است اما من می روم تا او را بیدار کنم. ۱۲ شاگردان گفتند: ای خداوند، اگر او خواب باشد حتماً خوب خواهد شد. ۱۳ عیسی از مرگ او سخن می گفت اما آنها تصور کردند مقصود او خواب معمولی است. ۱۴ آنگاه عیسی به طور واضح به آنها گفت:

ایلعازر مرده است. ۱۵ بهخاطر شما خوشحالم که آنجا نبوده‌ام چون حالا می‌توانید ایمان بیاورید بیایید نزد او برویم. ۱۶

توما که او را دوقلو می‌گفتند به سایر شاگردان گفت: «بیایید ما هم برویم تا با او بمیریم. ۱۷ وقتی عیسی به آنجا رسید، معلوم شد که چهار روز است او را دفن کرده‌اند. ۱۸ بیت عنیا کمتر از سه کیلومتر از اورشلیم فاصله داشت. ۱۹ و بسیاری از یهودیان نزد مرتا و مریم آمده بودند تا بهخاطر مرگ برادرشان آنها را تسلی دهند. ۲۰ مرتا به محض آنکه شنید عیسی در راه است، برای استقبال او بیرون رفت ولی مریم در خانه ماند. ۲۱ مرتا به عیسی گفت: خداوندا، اگر تو اینجا می‌بودی برادرم نمی‌مُرد. ۲۲ با وجود این می‌دانم که الان هم هرچه از خدا بخواهی به تو عطا خواهد کرد. ۲۳ عیسی گفت: برادرت باز زنده خواهد شد. ۲۴ مرتا گفت: می‌دانم که او در روز قیامت زنده خواهد شد. ۲۵ عیسی گفت: من قیامت و حیات هستم کسی که به من ایمان بیاورد حتی اگر بمیرد، حیات خواهد داشت؛ ۲۶ هر کسی که زنده باشد و به من ایمان بیاورد، هرگز نخواهد مرد. آیا این را باور می‌کنی؟ ۲۷ مرتا گفت: آری، خداوندا! من ایمان دارم که تو مسیح و پسر خدا هستی که می‌باید به جهان بیایی. ۲۸ مرتا پس از اینکه این را گفت رفت و خواهر خود مریم را صدا کرد و به طور پنهانی به او گفت: استاد آمده است و تو را می‌خواهد. ۲۹ وقتی مریم این را شنید، فوراً بلند شد و به طرف عیسی رفت. ۳۰ عیسی هنوز به دهکده نرسیده بود بلکه در همان جایی بود که مرتا به دیدن او رفت. ۳۱ یهودیانی که برای تسلی‌دادن به مریم در خانه بودند وقتی دیدند که او با عجله برخاسته و از خانه بیرون می‌رود به دنبال او رفتند و با خود می‌گفتند که او می‌خواهد به سر قبر برود تا در آنجا گریه کند. ۳۲ همین‌که مریم به جایی که عیسی بود آمد و او را دید، به پاهای او افتاده گفت: خداوندا، اگر در اینجا می‌بودی برادرم نمی‌مُرد. ۳۳ عیسی وقتی او و یهودیانی را که همراه او بودند، گریان دید؛ از دل آهی کشید و سخت متأثر شد. ۳۴ و پرسید: او را کجا گذاشته‌اید؟ جواب دادند خداوندا، بیا و ببین. ۳۵ اشک از چشمان عیسی سرازیر شد. ۳۶ یهودیان گفتند: ببینید چقدر او را دوست داشت؟ ۳۷ اما بعضی گفتند: آیا این مرد که چشمان کور را باز کرد، نمی‌توانست کاری بکند که جلوی مرگ ایلعازر را بگیرد؟ ۳۸ پس عیسی درحالی که از دل آه می‌کشید به سر قبر آمد. قبر غاری بود که سنگی جلوی آن گذاشته بودند. ۳۹ عیسی گفت سنگ را بردارید. مرتا خواهر ایلعازر گفت: خداوندا، الان چهار روز از مرگ او می‌گذرد و متعفن شده است. ۴۰ عیسی به او گفت: آیا به تو نگفتم که اگر ایمان داشته باشی، جلال خدا را خواهی دید؟ ۴۱ پس سنگ را از جلوی قبر برداشتند. آنگاه عیسی به آسمان نگاه کرد و گفت: ای پدر، تو را شکر می‌کنم که سخن مرا شنیده‌ای. ۴۲ من می‌دانستم که تو همیشه سخن مرا می‌شنوی ولی بهخاطر کسانی که اینجا ایستاده‌اند، این را گفتم تا آنها ایمان بیاورند که تو مرا فرستاده‌ای. ۴۳ پس از این سخنان، عیسی با صدای بلند فریاد زد: ای ایلعازر، بیرون بیا. ۴۴ آن مرده درحالی که دستها و پاهایش با کفن بسته شده و صورتش با دستمال پوشیده بود بیرون آمد. عیسی به آنها گفت: او را باز کنید و بگذارید برود.

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟
این برای شما چه معنی می‌دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

آخرین شام عیسی - متی ۲۶: ۱۷-۳۰

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

آخرین شام عیسی - متی ۲۶: ۱۷-۳۰

در نخستین روز عید فطیر، شاگردان نزد عیسی آمده از او پرسیدند: کجا میل دارید شام فصیح را آماده کنیم؟ ۱۸
عیسی جواب داد: در شهر نزد فلان شخص بروید و به او بگویید: استاد می گوید وقت من نزدیک است و فصیح را با
شاگردانم در منزل تو نگاه خواهم داشت. ۱۹ شاگردان طبق دستور عیسی عمل کرده شام فصیح را حاضر ساختند. ۲۰
وقتی شب شد عیسی با دوازده شاگرد خود بر سر سفره نشست. ۲۱ در ضمن شام فرمود: بدانید که یکی از شما مرا تسلیم
دشمن خواهد کرد. ۲۲ آنان بسیار ناراحت شدند و یکی پس از دیگری پرسیدند: خداوندا، آیا من آن شخص هستم؟ ۲۳ عیسی
جواب داد: کسی که دست خود را با من در کاسه فرو می کند، مرا تسلیم خواهد کرد. ۲۴ پسر انسان به همان راهی خواهد
رفت که در کتاب مقدس برای او تعیین شده است، اما وای بر آن کسی که پسر انسان توسط او تسلیم شود. برای آن شخص
بهبتر بود که هرگز به دنیا نمی آمد. ۲۵ آنگاه یهودای خائن در پاسخ گفت: ای استاد، آیا آن شخص من هستم؟ عیسی جواب
داد: همان طور است که می گویی. ۲۶ شام هنوز تمام نشده بود که عیسی نان را برداشت و پس از شکرگزاری آن را پاره
کرده به شاگردان داد و گفت: بگیرید و بخورید، این بدن من است. ۲۷ آنگاه پیاله را برداشت و پس از شکرگزاری آن را به

شاگردان داد و گفت: همه شما از این بنوشید. ۲۸ زیرا این خون من است که اجرای پیمان تازه را تأیید می‌کند و برای آمرزش گناهان بسیاری ریخته می‌شود. ۲۹ بدانید که من دیگر از میوه مو نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در پادشاهی پدرم تازه بنوشم. ۳۰ پس از آن، سرود فصیح را خواندند و به طرف کوه زیتون رفتند

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

عیسی بر روی صلیب کشته شد – لوقا ۲۳: ۳۲-۴۹

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

عیسی بر روی صلیب کشته شد – لوقا ۲۳: ۳۲-۴۹

دو جنایتکار هم برای اعدام با او بودند ۳۳ و وقتی به محلی موسوم به «کاسه‌سُر» رسیدند، او را در آنجا به صلیب میخکوب کردند. آن جنایتکاران را هم با او مصلوب نمودند، یکی را در سمت راست و دیگری را در سمت چپ او. ۳۴ عیسی گفت: ای پدر، اینان را ببخش زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند. لباس‌های او را به قید قرعه میان خود تقسیم کردند. ۳۵ مردم ایستاده تماشا می‌کردند و رهبران آنان با طعنه می‌گفتند: دیگران را نجات داد. اگر این مرد مسیح و برگزیده‌ی خداست، حالا خودش را نجات دهد. ۳۶ سربازان هم او را مسخره کردند و جلو آمده، شراب تُرشیده به او تعارف کردند ۳۷ و گفتند: اگر تو پادشاه یهودیان هستی خود را نجات بده. ۳۸ در بالای سر او نوشته شده بود: «پادشاه یهودیان». ۳۹ یکی از آن جنایتکاران که به صلیب آویخته شده بود با طعنه به او می‌گفت: مگر تو مسیح نیستی؟ خودت و ما را نجات بده. ۴۰ اما آن دیگری با سرزنش به او می‌گفت: از خدا نمی‌ترسی؟ تو و او یکسان محکوم شده‌اید. ۴۱ در مورد ما منصفانه عمل شده، چون ما به سزای کارهای خود می‌رسیم، اما این مرد هیچ خطایی نکرده است. ۴۲ و گفت: ای عیسی، وقتی به سلطنت خود رسیدی مرا بهیاد داشته باش. ۴۳ عیسی به او جواب داد: خاطر جمع باش، امروز با من در فردوس خواهی بود. ۴۴ تقریباً ظهر بود، که تاریکی تمام آن سرزمین را فراگرفت و تا ساعت سه بعد از ظهر آفتاب گرفته بود. ۴۵ و پرده‌ی معبد بزرگ دو تکه شد. ۴۶ عیسی با فریادی بلند گفت: ای پدر، روح خود را به تو تسلیم می‌کنم. این را گفت و جان داد. ۴۷ وقتی افسری که مأمور نگهبانی بود، این جریان را دید خدا را حمد کرد و گفت: در واقع این مرد بی‌گناه بود. ۴۸ جمعیتی که برای تماشا گرد آمده بودند، وقتی ماجرا را دیدند، سینه‌زنان به خانه‌های خود برگشتند. ۴۹ آشنایان عیسی با زنانی که از جلیل همراه او آمده بودند، همگی در فاصله‌ی دوری ایستاده بودند و جریان را می‌دیدند.

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟
این برای شما چه معنی می‌دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

عیسی از مردگان برمی‌خیزد – لوقا ۲۳: ۵۰-۵۶؛ ۱: ۲۴-۱۶

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

عیسی از مردگان برمی خیزد - لوقا ۲۳: ۵۰-۵۶

در آنجا مردی به نام یوسف حضور داشت که یکی از اعضای شورای یهود بود. او مردی نیکنام و درستکار بود. ۵۱ یوسف به تصمیم شورا و کاری که در پیش گرفته بودند رأی مخالف داده بود. او از اهالی یک شهر یهودی به نام رامه بود و از آن کسانی بود که در انتظار پادشاهی خدا به سر می بردند. ۵۲ این مرد در این موقع نزد پیلاتس رفت و جنازه عیسی را خواست. ۵۳ سپس آن را پایین آورد و در کتان لطیف پیچید و در مقبره ای که از سنگ تراشیده شده بود و پیش از آن کسی را در آن نگذاشته بودند قرار داد. ۵۴ آن روز، روز تدارک بود و روز سبت از آن ساعت شروع می شد. ۵۵ زنانی که از جلیل همراه عیسی آمده بودند به دنبال یوسف رفتند. آنها مقبره و طرز تدفین او را دیدند. ۵۶ سپس به خانه رفتند و حنوط و عطریات تهیه کردند و در روز سبت طبق دستور شریعت استراحت نمودند

عیسی از مردگان برمی خیزد - لوقا ۱: ۲۴-۱۶

در روز اول هفته (یکشنبه) صبح خیلی زود سر قبر آمدند و حنوطی را که تهیه کرده بودند، با خود آوردند. ۲ آنها دیدند که سنگ از در مقبره به کنار غلطانیده شده ۳ و وقتی به داخل رفتند، از جسد عیسی اثری نبود. ۴ حیران در آنجا ایستاده بودند که ناگهان دو مرد با لباسهای نورانی در کنار آنان قرار گرفتند. ۵ زنها وحشت کردند و درحالی که سرهای خود را به زیر انداخته بودند ایستادند. آن دو مرد گفتند: «چرا زنده را در میان مردگان می جویید؟ ۶ او اینجا نیست بلکه زنده شده است. آنچه را که در موقع اقامت خود در جلیل به شما گفت، به یاد بیاورید ۷ که چطور پسر انسان می بایست به دست خطاکاران تسلیم گردد و مصلوب شود و در روز سوم قیام کند. ۸ آن وقت زنها سخنان او را به خاطر آوردند ۹ و وقتی از سر قبر برگشتند تمام موضوع را به یازده حواری و دیگران گزارش دادند. ۱۰ آن زنها عبارت بودند از مریم مجدلیه و یونا و مریم مادر یعقوب. زنها دیگر هم که با آنان بودند، جریان را به رسولان گفتند. ۱۱ اما موضوع به نظر آنان مُهمَل و بی معنی آمد و سخنان آنان را باور نمی کردند ۱۲ اما پطرس برخاست و به سوی قبر دوید و خم شده نگاه کرد، ولی چیزی جز کفن ندید. سپس درحالی که از این اتفاق در حیرت بود، به خانه برگشت. ۱۳ همان روز دو نفر از آنان به سوی دهکده ای به نام عمواس که تقریباً در دوازده کیلومتری اورشلیم واقع شده است می رفتند. ۱۴ آن دو درباره همه این اتفاقات گفت و گو

می‌کردند. ۱۵ همین‌طور که سرگرم صحبت و مباحثه با یکدیگر بودند، خود عیسی سر رسید و با آنان همراه شد. ۱۶ اما چیزی جلوی چشمان آنها را گرفت، به طوری که او را نشناختند

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت
چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

فرزند خدا شدن – یوحنا ۱: ۱-۱۸

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟
این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستور العمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

فرزند خدا شدن – یوحنا ۱: ۱-۱۸

در ازل کلمه بود. کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود، ۲ از ازل کلمه با خدا بود. ۳ همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد. ۴ حیات از او به وجود آمد و آن حیات نور آدمیان بود. ۵ نور در تاریکی می‌تابد و تاریکی هرگز بر آن چیره نشده است. ۶ مردی به نام یحیی ظاهر شد که فرستاده خدا بود. ۷ او آمد تا شاهد باشد و بر آن نور شهادت دهد تا به وسیله او همه ایمان بیاورند. ۸ او خود آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد. ۹ آن نور واقعی که همه آدمیان را نورانی می‌کند، در حال آمدن بود. ۱۰ او در جهان بود و جهان به وسیله او آفریده شد، اما جهان او را نشناخت. ۱۱ او به قلمرو خود آمد ولی متعلقانش او را قبول نکردند. ۱۲ اما به همه کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند، این امتیاز را داد که فرزندان خدا شوند. ۱۳ که نه مانند تولدهای معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانی یک پدر جسمانی، بلکه از خدا تولد یافتند. ۱۴ کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلالش را دیدیم، شکوه و جلالی شایسته فرزند یگانه پدر و پر از فیض و راستی. ۱۵ شهادت یحیی تعمید دهنده این بود که او فریاد می‌زد و می‌گفت: این همان شخصی است که درباره او گفتم که بعد از من می‌آید اما بر من برتری و تقدّم دارد، زیرا پیش از تولد من، او وجود داشت. ۱۶ از فیض سرشار او، پیوسته برکات فراوانی یافته‌ایم. ۱۷ زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی توسط عیسی مسیح آمد. ۱۸ کسی هرگز خدا را ندیده است، اما آن فرزند یگانه‌ای که در ذات پدر و از همه به او نزدیکتر است او را شناسانیده است

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می‌بینید؟
این برای شما چه معنی می‌دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی‌پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید

چه کسی می‌تواند زندگی ابدی داشته باشد؟ - اول یوحنا ۱: ۱-۳ ؛ ۲۳-۲۴ ؛ ۵: ۱۱-۱۳

ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟

این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟
کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟
کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

دستورالعمل: لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

کشف کردن

گام یک - شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند
گام دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند
گام سوم - یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

چه کسی می تواند زندگی ابدی داشته باشد؟ - اول یوحنا ۱: ۱-۳

ما درباره کلمه حیات به شما می نویسیم - کلامی که از ازل بود و ما آن را شنیده و با چشمان خود دیده ایم - آری، ما آن را دیده ایم و دستهایمان آن را لمس کرده است. ۲ آن حیات ظاهر شد و ما آن را دیدیم پس ما درباره آن شهادت می دهیم و از حیات جاودانی که با پدر بود و به ما شناسانیده شد، شما را آگاه می سازیم. ۳ آری، آنچه را که ما دیده و شنیده ایم به شما اعلام می کنیم تا در اتحادی که ما با پدر و پسر او عیسی مسیح داریم، شما هم با ما شریک شوید

چه کسی می تواند زندگی ابدی داشته باشد؟ - اول یوحنا ۳: ۲۳-۲۴

و فرمان او این است که ما باید به نام پسر او عیسی مسیح ایمان آوریم و یکدیگر را دوست بداریم چنانکه مسیح هم همین دستور را به ما داده است. ۲۴ هرکه احکام او را رعایت می کند، در خدا زندگی می کند و خدا در او. او روح القدس را به ما بخشیده است تا ما مطمئن باشیم که او در ما زندگی می کند

چه کسی می تواند زندگی ابدی داشته باشد؟ - اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۳

شهادت این است که خدا به ما حیات جاودانی داده است و این حیات در پسر او یافت می شود. ۱۲ هرکه پسر را دارد حیات دارد و هرکه پسر خدا را ندارد، صاحب حیات نیست. ۱۳ این نامه را نوشتم تا شما که به نام پسر خدا ایمان دارید، یقین بدانید که حیات جاودانی دارید

بپرسید/پاسخ دهید

در این قسمت چه می بینید؟
این برای شما چه معنی می دهد؟
چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟
چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است ... انوقت

چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟
کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید
